

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه بینه، ۱۹ ماه مبارک رمضان

معرفی اجمالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (۱)

رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً (۲)

فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ (۳)

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ (۴)

وَمَا أَمَرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (۷)

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ

ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (۸)

بینه یعنی یک دلیل روشن و واضح که جای هیچ تردیدی را باقی نمی‌گذارد و می‌تواند باعث اتمام حجت می‌شود.

سوره مبارکه بینه درباره چنین بینه و دلیل روشن سخن می‌گوید که افراد کافر و

کسانی که حقیقت را قبول نمی‌کنند چه از اهل کتاب باشند، چه از مشرکین، رها نمی‌شوند تا این بینه برایشان بیاید و اتمام حجت بشود. این دلیل روشن را پیامبری از سوی خدا معرفی می‌کند که صحیفه‌های پاکی از جانب خدا را تلاوت می‌کند و یاد می‌دهد چگونه می‌توان دنبال حقایق آسمانی رفت. این صحیفه‌های پاک دارای کتابهای قیمه هستند.

کتابهای قیمه، حقایق ثبت شده‌ای هستند که خودشان محکم هستند که می‌توانند قیام ایجاد کند. می‌توانیم بگوییم همه کتب انبیا کتابهای قیمه هستند که در صحف مطهره وجود دارند و رسول آن‌ها را تلاوت می‌کند.

اهل کتاب، اگر واقعا به پیامبران گذشته اعتقاد داشته باشد، باید به رسول خاتم که دنباله همان پیامبران است، ایمان بیاورد. سوره بینه تصریح می‌کند که اینها متفرق نشدند، از هم فاصله نگرفتند مگر بعد از اینکه این بینه و رسول اکرم(ص) برایشان آمد و اتمام حجت شد. انتخابی کردند که دیگر نمی‌توانند برایش بهانه‌ای داشته باشند.

امری که به آنها شده بود، فقط عبودیت خالص خدا بود. دین خدا را به صورت حنیف، بدون افراط و تفریط پرستند. این عبودیت و پرستش اقامه نماز و ایتاء زکات است. یعنی ارتباط برقرار کردن با خدا و کمک به دیگران برای ارتباط گرفتن با خدا و پاک کردن خود و داراییهای خود با بخشش به دیگران. بعد اعلام می‌کند که این پرستش خالصانه خدا، دین قیمه هست که اتمام حجت شده و افراد باید آن را بپذیرند.

در آیات آخر، افراد براساس نوع مواجهه شان با این دلیل آشکار به دو دسته تقسیم می‌کند:

- کافران و کسانی که حق را نمی‌پذیرند در آتش جهنم جاودانه هستند، بدترین انسانها هستند.

- کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، بهترین خلق هستند و پاداش آنها بهشت جاودان است که محل استقرار و آرامش هست. خداوند از آنها راضی هست و آنها هم راضی هستند. این پاداش مختص کسانی

هست که نسبت به پروردگار خشیت دارند یعنی وقتی عظمت را می بینند، می پذیرند و مراقبت می کنند که خودشان را حفظ کنند تا در چارچوبی که خدا تعیین کرده، قرار بگیرند. دین الهی برنامه زندگی شان می شود.

ارائه سوره به بچه های دبستانی

سوره بینه مضامین بلندی دارد وقتی می خواهیم برای بچه ها بگوییم باید حواسمان به سطح فهم بچه ها باشد. از سوره بینه بحث دلیل روشن و قطعی را به بچه ها می گوییم. جزئیات سوره را مستقیم نمی گوییم هر کاری یک دلیلی دارد برخی از آنها خیلی روشن و واضح هستند. وقتی کاری دلیل داشت باید آن را بپذیریم. این را باید با سیری به بچه ها آموزش بدهیم:

- * هر کاری دلیلی دارد.
- * بعد با انواع و مراتب دلیل ها آشنا می شوند و اینکه برخی از دلایل از برخی دیگر محکم تر هستند
- * محکم ترین دلیل، امر خدا و دستورات الهی است.
- * باید دین خدا را بپذیرند.
- * دین خدا ارتباط گرفتن خوب با دیگران و نماز هست.

با این سیر مفهوم دلیل و ضرورت داشتن دلیل را می فهمند و سوره بینه وارد زندگی شان می شود.

تدبر در سوره

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

لم یکن یعنی "نبودند" که مربوط به واژه منفکین است. منفک از باب انفعال فکک هست به معنی باز شدن، رها شدن. منفک یعنی رها شده؛ سوره می فرماید کسانی که کفر ورزیدند یعنی کسانی که روی حقیقت سرپوش

گذاشتند و آن را رد کردند، هم از اهل کتاب و هم از مشرکین هستند. اهل کتاب،

کتاب آسمانی داشتند قاعدتا اگر خدا را واقعا می‌پرستیدند باید متوجه حقانیت پیامبر(ص) می‌شدند و به ایشان

ایمان می‌آوردند کما اینکه عده زیادی از اهل کتاب به پیامبر(ص) ایمان آوردند.

مشرکین کسانی هستند که برای خدا شریک قائلند، به خدای واحد اعتقاد ندارند.

این‌ها هرگز رها نشدند که در گمراهی و کفر خود بمانند تا برایشان بینه آمد. خدا برایشان اتمام حجت کرد.

رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً

بینه چیست؟ در این آیه بینه را معرفی می‌کند: بینه همان رسول(ص) است که انسان کامل و بنده خداست که

حقیقت را می‌گوید؛ رسول(ص) با ویژگی‌های خوب و درستی که دارد خودش به تنهایی بینه است. شما پیامبر

(ص) را می‌شناسید، می‌دانید او آنقدر بزرگوار است، با آدم‌ها آنقدر سازگاری دارد، اهل لجاجت نیست و چیزی را

برای خودش بخواهد. او به فکر منافع دیگران است و دنبال منافع شخصی از ثروت و امکانات نیست. معلوم است

که او حرف حق می‌زند. کسی را به خود دعوت نمی‌کند، به خدا دعوت می‌کند.

او صحفی قیمه را تلاوت می‌کند؛ صحیفه می‌تواند شکل مادی داشته باشد یا مراتبی از حقایق مربوط است

تلاوت از ریشه تلو. تالی چیزی شدن، دنبال آن رفتن. به معنای پیروی و تبعیت کردن است.

اینکه رسول(ص) این صحیفه‌های پاک را تلاوت می‌کند، یعنی به دنبال آن می‌رود و از آن‌ها تبعیت می‌کند.

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ

کتاب، حقایق ثبت شده است و کتب مجموعه‌ای از این کتاب‌ها هست.

قیمه یعنی قوام دارند، قیام و حرکت ایجاد می‌کنند. جلوی رکود را می‌گیرند. قوانین عالم، قوانین حرکت، قوانین

رشد و پیشرفت در این کتاب‌ها ثبت است.

علامه بیان می‌کند منظور از کتب قیمه نیز کتب انبیاء گذشته است. یعنی هر حقیقتی که پیامبر(ص) تلاوت

می‌کند، شامل همه حقایق کتب گذشته است. رسول خاتم آن حقایق را هم بیان می‌کند و البته حقایق جدیدی

را هم که در دسترس بشر نبوده، آورده است. صحیفه‌هایی که رسول تلاوت می‌کند، حقایق و چارچوب‌هایی دارد

که می‌شود به آنها اتکا کرد و به واسطه آن کتاب‌ها نورانیت پیدا کرد و برنامه و مسیر زندگی‌اش را مشخص کند که چه کار می‌خواهد بکند.

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ

رسول حرف‌های انبیای گذشته را تایید می‌کند بنابراین بیان می‌کند که اهل کتاب متفرق نشدند مگر آنکه بی‌بینه برای آن‌ها آمد. هر کس از اهل کتاب متفرق شد و حقایق را نپذیرفت در واقع پس از آمدن بی‌بینه متفرق شد. اهل کتاب اگر به پیامبر(ص) نگاه می‌کردند به طور واضح و آشکار می‌فهمیدند که او دارد همان حرف‌های انبیای گذشته را می‌زند و ادامه همان مسیر است.

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ

دین را معرفی می‌کند. آن‌ها امر نشده بودند مگر اینکه خدا را بپرستند، عبودیت خدا حرف همه انبیای الهی بوده و پیامبر(ص) هم به همان دستوری که برای انبیاء گذشته آمد، امر کرده است. مخلصین له الدین، در حالیکه دین را خالص برای او می‌دانند. یعنی برنامه را از کس دیگری نمی‌گیرند، فقط از خدا دریافت می‌کند.

حنفا جمع حنیف به معنی حق‌گرایانه، بدون افراط و تفریط، حد وسط، نه جلو نه عقب. همان که دین می‌گوید، کندی و سستی نداشته باشند، کاسه داغ تر از آش هم نشوند. دین با فطرت انسان سازگار است، با درک انسانی سازگار است.

همه انبیاء برنامه دین را از خدا می‌گیرند و تفاوتی بین دستورات الهی نیست. همه انسان‌ها و نیز اهل کتاب و مشرکین باید به صورت حق‌گرایانه به دستورات دین عمل کنند، عقب نمانند و جلوتر از آن هم نروند؛ علامه می‌گویند: یقیموا الصلاة و یوتوا الزکاة، بیان جز بعد از کل است، خاص بعد از عام است. مصادیق خاص عبودیت هستند.

اقامه نماز یکی از مهمترین مصادیق عبودیت خداست. فرد باید ضمن اینکه خودش نماز می‌خواند، نماز را اقامه کند و به واسطه اقامه نماز برای ارتباط دیگران با خدا بستر سازی کند.

ایتای زکات یعنی زکات بدهد. بخشش به شکل‌های مختلف داریم مثل صدقه، قربانی

کردن و... هر کدام از وجهی به بخشش نگاه می‌شود. وقتی صحبت از زکات می‌شود، زکات با تزکیه هم ریشه است. بحث این است که خودش یا مال و دارایی‌اش را پاک کند مانند هرس کردن یک گیاه. انسان چیزی را می‌دهد، درست است که نیاز کسی را هم برطرف می‌کند ولی واژه زکات به پاک شدن خود فرد در راستای ارتباطی که با خدا دارد، اشاره می‌کند. یعنی وقتی نماز می‌خواند، با بالا ارتباط برقرار می‌کند، از چیزهایی که دست و پا گیرش هست و دنیایی است، رها می‌شود.

زکات از ریشه زکی است که به معنای پاک کردن، هرس کردن و از بین بردن اضافات و ناخالصی‌هاست؛ ایتاء زکات یعنی دادن بخشی از دارایی‌ها (چه مادی و چه غیر مادی مانند علم) تا از آن چیزهایی که دارد استفاده بهینه بکند، تا به کارش بیاید برای رسیدن به بهشت و سعادت و رضایت.

اینها به چیزی جز عبودیت خالص خدا و اقامه نماز و ایتای زکات امر نشده بودند. پس آنچه انسان را به رشد و هدف نهایی می‌رساند همین دین قیّمه است.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ

انسان‌هایی که روی حق سرپوش می‌گذارند و اهل کفر و کفرانند و بینه برایشان آمد و نپذیرفتند، برای همیشه، در دنیا و آخرت، در آتش جهنم هستند. تا در کفر هستند، در آتش هستند. در دنیا فرصت دارند که خود را از این کفر نجات بدهند. بعدا این فرصت از دست می‌رود.

بریه به معنی خلق یا مردم است، از ریشه بَرَى است و با ریشه بَرَّ و بَرّ، دیگر خواهی اشتقاق اکبر دارد. شر البریه‌اند؛ بدترین مخلوقات و بدترین موجودات. چرا بدترین مخلوقات؟ همه مخلوقات در مسیر رشد خود رشد می‌کنند؛ اما این دسته مردم با وجود اینکه مسیر رشدشان مشخص است و می‌تواند وارد مسیر بشوند اما در آن مسیر حرکت نمی‌کنند و بدترین مخلوقات می‌شوند. از طرف دیگر کسانی که ایمان آوردند، حقایق را پذیرفتند و به آن اطمینان پیدا کردند و امنیت خود را از این حقایق تامین کردند و اعمال اصلاح‌گرایانه انجام دادند، خیرالبریه هستند، بهترین خلق هستند.

انسان با مخلوقات دیگر اشتراکاتی دارد. همه مخلوقات دارند مسیر کمال خودشان را

طی می‌کنند. مسیر رشد انسان خیلی باشکوه تر از مسیر رشد مخلوقات دیگر است. انسان برخلاف بقیه مخلوقات می‌تواند این مسیر رشد را بپذیرد یا نپذیرد. اگر انسان وارد مسیر رشدش نشود بدترین مخلوقات است چون برخلاف همه هستی دارد حرکت می‌کند. بقیه مخلوقات دارند در مسیر رشدشان حرکت می‌کنند. اگر انسان مسیر رشدش را بپذیرد و واردش بشود، بهترین مخلوقات است چون کمالی که خدا برای انسان قرار داده است، خیلی با شکوه است.

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ

پاداش این افراد نزد پروردگارشان هست که همه هستی است، جنات عدن است.

عدن، مولفه استقرار، بهجت و آرامش در این ریشه وجود دارد. این ریشه ۱۱ بار فقط برای جنت استفاده شده. بهشتی که انسان در آنجا قرار و آرامش می‌گیرد.

از زیر آنها نهرهایی رد می‌شوند و این افراد خیرالبریه در این نعمت‌ها جاودانه هستند و به مقام رضوان الله هم می‌رسند، که بالاترین مقام در بهشت است. در جایگاهی قرار می‌گیرند که هم خدا از آنها راضی است و هم آنها از خدا راضی هستند. مقام رضایت جایگاه باشکوهی هست که انشاءالله خدا توفیق دهد همه ما به آن برسیم. همه اینها با خشیت به دست می‌آید.

خشوع اینگونه است که انسان نرم باشد و پذیرش داشته باشد. این خشوع عمق پیدا می‌کند و به خشیت تبدیل می‌شود.

خشیت نوعی مراقبت که با نگرانی همراه است؛ یعنی آنقدر مراقب است که انگار نگران است. درواقع نگران نیست اما مراقب دارد. این خشوع عمیق شده است.

اولش یک نرمی و پذیرش است، یک افتاده حالی است. حس اینکه من که کسی در مقابل خداوند، در مقابل حقایق ، در مقابل دین الهی نیستم. در نتیجه آنها را می‌پذیرد و عمق پیدا می‌کند و تبدیل به خشیت می‌شود یعنی کاملاً

خود را در مسیری که برایم تعیین شده قرار می‌دهیم و در همان مسیر رشد می‌کنم.

در قرآن می‌گویند علم، خشیت می‌آورد. وقتی حقیقت را می‌داند و می‌فهمد، خشیت می‌آورد در مقابل خدا گردن کشی نمی‌کنند. وقتی بینه آمد، شاخ و شونه نمی‌کشند، می‌پذیرند و ایمان می‌آورند و عمل صالح انجام می‌دهند و اقامه نماز و ایتای زکات می‌کنند.

سوالات

✚ وارد شدن در مسیر رشد و هدایت، فقط با اطاعت از خدا و رسول و کتاب است؟

بله رشد در قرآن، فقط و فقط و فقط ذیل ولایت الله صورت می‌گیرد و مسیر دیگری ندارد.

اهداف تربیتی سوره مبارکه بینه

سوره مبارکه بینه سوره‌ای برای درک ضرورت دلیل داشتن کارها است. سوره بینه در مورد دلیل روشن و واضح صحبت می‌کند و اینکه آدم‌ها باید آن را بپذیرند. چیزی که باعث می‌شود بچه‌ها در سنین پایین سوره بینه را بفهمند این است که بفهمند اگر کاری دلیل داشت، کار درستی هست یعنی پذیرش کارها باید براساس دلیل باشد نه چیز دیگری.

پایه اول

درک اینکه هر کاری باید دلیل داشته باشد.

به بچه‌های کلاس اولی از سوره مبارکه بینه یاد می‌دهیم هر کاری باید دلیل داشته باشد. هر کاری که از آنها می‌خواهیم، دلیلش را به آنها بگوییم. بچه‌ها این کار را بکنید به این دلایل... این کار را نکنید به این دلیل. امر و نهی، توصیه و درخواست، هر چه از آنها می‌خواهیم دلیلش را بگوییم تا به این صورت به آنها القا شود. به این ترتیب آنها سوره مبارکه بینه را یاد می‌گیرند.

پایه دوم

آشنایی با دلایل متعدد کارها و ارائه دلیل یا دلایل همگرا برای هر کار

در پایه دوم باید انواع دلیل را به آنها یاد بدهیم و باید از آنها خواست شما هم هر کاری می‌کنید، باید دلیل داشته باشید؛ همچنین به آنها یاد دهیم این دلایلی که می‌آورند، باید دلایل همراهی و همسو با هم داشته باشند؛ نباید بگوییم به این دلیل کار خوبی هست، به آن دلیل کار بدی هست. بچه‌های پایه دوم با یاد گرفتن تنوع دلایل و اینکه برای کارهایشان دلایل همراهی داشته باشند، سوره بینه را یاد گرفتند.

پایه سوم

درک اولویت برخی دلایل نسبت به برخی دیگر

اگر اولین بار است که سوره بینه را می‌خوانند باید مطالب پایه‌های قبل هم به آنها منتقل شود. در این پایه به آنها یاد می‌دهیم که دلایل مراتب دارند و برخی دلایل نسبت به دلایل دیگر اولویت بیشتری دارند که باید به آن دلیل بالاتر توجه کنیم. مثلاً ممکن است یک کار، کار خوبی باشد ولی حرف معلم یا والدین دلیل مهم‌تری برای انتخاب یک کار باشد.

اگر بچه‌های پایه سوم یاد بگیرند که دلایل مراتب دارند و نظام اولویت دلایل را یاد بگیرند، مفهوم سوره بینه را در حد سن خودشان یاد گرفته‌اند.

پایه چهارم

درک اینکه اوامر الهی و عبودیت از همه دلایل مهم‌تر است

اگر اولین بار است که سوره بینه را می‌خوانند باید مطالب پایه‌های قبل هم به آنها منتقل شود. در پایه چهارم برای آموزش سوره مبارکه بینه باید به دانش‌آموزان یاد بدهیم بین همه دلایلی که در ذهنشان برای انجام یک کار وجود دارد، امر و عبودیت خدا مهم‌ترین دلیل است که اولویتش از همه دلایل دیگر بیشتر است و باید انتخاب اصلی‌شان باشد. اینطوری بچه‌ها سوره بینه را یاد گرفته‌اند.

پایه پنجم

شناخت مصادیق عبودیت و داشتن فهرستی از کارهایی که نشانه بروز عبودیت است

اگر اولین بار است که سوره بینه را می‌خوانند باید مطالب پایه‌های قبل هم به آن‌ها منتقل شود. تمرکز ما برای آموزش سوره بینه در این پایه می‌رود روی خالص سازی عبودیت. بچه‌ها باید مصادیق عبودیت را بشناسند، فهرستی از کارهایی داشته باشند که بروز عبودیت است، داشته باشند و سعی کنند در زندگی شان آن رفتارها را بکنند و کارهای عبادانه داشته باشند. قرار هست که هر کار را با دلیلی انجام دهند، کارهای دینی بالاترین دلیل که امر خدا هست را دارند. و دیگران را هم تشویق به همچین کارهایی بکنند و عبودیت را خالص سازی کنند.

پایه ششم

نیکی به دیگران همراه با نماز به عنوان یکی از بالاترین مصادیق عبودیت

اگر اولین بار است که سوره بینه را می‌خوانند باید مطالب پایه‌های قبل هم به آن‌ها منتقل شود. برای آموزش سوره مبارکه بینه به دانش‌آموزان پایه ششم روی اقامه نماز و ایتای زکات تمرکز می‌کنیم چون در سوره بینه امر به عبودیت خالصانه خدا کرده و اقامه نماز و ایتای زکات را از بالاترین مصادیق عبودیت خالصانه مطرح می‌کند. بچه‌ها را به سمت نیکی کردن و مهربانی نمودن نسبت به دیگران با محوریت نماز سوق می‌دهیم. در این پایه به دو مصداق مهم عبودیت می‌پردازیم.

هر کار که می‌کنند دلیل عبادانه و عبودیتی دارد و به این ترتیب سوره بینه را یاد می‌گیرند.

طراحی فعالیت

سوره‌های فهم قرآن پیش‌نیازی ندارند. ترتیب سوره‌ها مهم نیست ولی برای آموزش منظم ساختاری از سوره حمد و ناس و فلق شروع می‌کنیم تا سوره ماعون. سال دوم از سوره فیل و قریش شروع می‌شود تا سوره زلزال. سوره

بینه و قدر قبلا مربوط به سال سوم بود ولی جای آن را تغییر دادیم و سوره مبارکه


قدر را برنامه تابستانی بچه‌های دوم در نظر گرفتیم. بچه‌ها در پایان سال دوم با قدر تمام می‌شود. در سال سوم اول قدر و بعد سوره بینه را می‌خوانند. این که می‌گوییم سوره‌های پایه سوم، نه اینکه فقط مربوط به سوم است. همانطور که می‌گوییم سوره بینه را برای همه پایه‌ها می‌توان بیان کرد.

برای آموزش سوره بینه برای پایه‌های اول و دوم، فعالیت‌های شادی طراحی می‌کنیم که در آن به دلیل کارها اشاره کنند.

در پایه سوم باید اولویت دلایل را بفهمند. می‌توانیم برنامه‌ای به آنها بدهیم و بپرسیم براساس دین خدا چی بر چی اولویت بالاتری دارد؟ مثلا خوب است بدانند که اولویت نماز واجب، بالاتر از حرف پدر و مادرشان است ولی مستحباتش دیگر اولویت نسبت به حرف پدر و مادرش ندارد. اگر اول وقت مادرم کاری را دستور داده است، می‌توانم نماز اول وقتم را نخوانم. یا اگر در نماز مستحبی مادرم مرا صدا کرد باید جواب بدهم. اینها را خوب است بچه‌ها بدانند. اگر خانواده سالم نبود، توصیه دین این است که احترام به پدر و مادر داشته باشند حتی اگر بدترین پدر و مادر باشد.

خوب است بچه‌ها اولویت‌ها را بشناسند. برای بچه‌های ۴، ۵ ساله دوست دارم، دلیلی مهمی هست و برای آن سن قابل قبول هم هست ولی برای بچه ۹، ۱۰ ساله این حرف قابل قبول نیست، باید دلیل محکم‌تر و روشن‌تری داشته باشد. اینکه بفهمند هر کار دلیلی دارد، سوره را یاد گرفتند و می‌دانند اگر کسی با دلیل چیزی را گفت باید آن را بپذیرند. در پایه‌های بالاتر باید بفهمند دلیل روشن، امر و عبودیت خدا است.

سوالات

زکات را به عنوان مصداق عبودیت خدا می‌شود مطرح کرد؟ 

زکات را به عنوان مصداق عبودیت مطرح نمی‌کنیم به خصوص در پایه‌های پایین

تر، پایه‌های پنجم و ششم زکات را نه و نیکی به دیگران را مطرح می‌کنیم. در سوره خیرالبریه مطرح شده است و با ریشه برره به معنای نیکی رساندن، خیرخواهی و دیگر خواهی، بحث نیکی به دیگران را به عنوان مصداق به عبودیت مطرح می‌کنیم.

✚ سوره‌هایی که مربوط به پایه‌های اول است در پایه‌های بعد هم باید گفته شود.

چند بار این سوال پاسخ داده شده است، این قاعده مشخص ندارد. بستگی به آن دارد که برنامه ما برای آموزش چگونه است. تلاش گروه پشتیبان فهم قرآن آن است که امکان اجرا برای افراد گوناگون با شرایط متفاوت وجود داشته باشد اگر کسی خودش معلم کلاس است و می‌خواهد متناسب با بچه‌ها سوره‌ها را به آنها بگوید. خانم دکتری که بسیار موثر بودند در مباحث تکمیلی فهم قرآن در یکی از ایالات آمریکا مدرسه اسلامی دارند، تابستان در ایران بودند و به پیشنهاد ایشان فهم قرآن مفصل تر شد و هر سوره در هر پایه بحث شد، ایشان می‌گفتند مدرسه ما چون مدرسه قرآنی است، می‌توانیم همه سوره‌ها را برای همه پایه‌ها بخوانیم و آنها می‌توانند هر سوره را شش بار بخوانند و این شرایط مدرسه آنها است یعنی حتی این گونه هم می‌شود که در یک سال ۳۸ سوره خواند. ولی به نظر من اگر در سوره وقوف داشته باشیم بهتره یعنی فهم قرآن این قابلیت را دارد. مدل دیگری که ما پیشنهاد می‌کنیم مناسب با مدارس خودمان در مقطع ابتدایی، تعدادی از سوره‌هایی که مشخص کرده ایم را تا انتهای سوره مبارکه ماعون، تعدادی هم برای پایه دوم. در این صورت نیاز نیست که در سال‌های بالاتر هم آن سوره‌های پایه اول را بخواند ولی بچه‌ها سوره‌های پایه اول را خاطرشان هست و هر وقت با مسئله مواجه شدیم به سوره اشاره می‌کنیم و همینطور در پایه‌های دیگر بستگی دارد ما بخوانیم چطور اجرا کنیم.

✚ همگرا بودن دلایل در پایه دوم چگونه است ؟

یعنی دلایل ضد و نقیض نباشند. گاهی بچه‌ها با دلایلی، بهانه می‌آورند و این بهانه‌ها

دلایلی بر خلاف شان وجود دارد. به یک دلیل باید کار را انجام داد و به دلیل دیگر نباید آن کار را انجام داد. در پایه سوم یاد می‌گیرند که دلایل اولویت هم دارند و اگر سه دلیل هست یک دلیل نسبت به بقیه اولویت دارد و اگر از نظر آن دلیل مشکلی نداشت می‌توانیم برویم سراغ بقیه دلایل.

✚ بعضی چیزها را نمی‌فهمند و چون خدا گفته یا پدرشان گفته باید انجام دهند القا کنیم هر کاری که باید

انجام دهیم دلیل داشته باشد وگرنه انجام نمی‌دهیم باعث سرکشی آنها نمی‌شود؟ چون بعضی کارها را

دلایلش را نمی‌فهمند و یا نمی‌شود برایشان توضیح داد و یا صرفاً صلاحدید پدر و مادرم است.

بله دلیل یعنی همین، ما دلایل همه کارها را نمی‌دانید و همین که خدا گفته است، دلیل است. همین دلیل است

که صلاحدید پدر و مادر است. باید متوجه شوند که این دلیل است مثلاً خدا گفته است حجاب می‌گوییم چرا

حجاب؟ در مورد بسیاری از مسائل مثل حجاب و نماز نباید راجع به فلسفه آنها به بحث و گفتگو شود، این کار

اشتباه است. دلیلش این است که خدا گفته است، این خود دلیل است و این باعث سرکشی نمی‌شود. فکر کردم

می‌گویید: بچه‌ها را ساده‌لوح بار نمی‌آورد!!! چرا این کار را می‌کنیم؟ چون خدا گفته است،

✚ برای اصلاح بچه‌های پایه‌های بالاتر چه کارهای شان را بر اساس دوست دارم انجام می‌دهند چه راهکاری

ارائه می‌دهید؟

سوره مبارکه بینه، این موضوع مهمی است توجه داشته باشیم، ما سوره مبارکه بینه را می‌خوانیم و یک نکته از

این سوره را پیدا کرده‌ایم که فکر می‌کنیم در سطح بچه‌ها و آن را به آنها می‌گوییم ولی همه بحث آموزش سوره

بینه این نیست. خود سوره مبارکه بینه روی بچه‌ها تأثیر می‌گذارد و اگر ما بتوانیم ارتباط خوبی با سوره با بچه‌ها

برقرار بکنیم معلم بچه‌ها سوره است و نباید آن را را ندید گرفت. آنطور که جلسات قبل گفتیم که نباید خدا

را در برنامه آموزشی ندیده بگیریم، خود سوره‌ها معلم هستند و وظیفه ما در ارتباط با سوره‌ها ارتباط بین بچه‌ها و سوره است به شکلی که اصلاً شاید ما متوجه نشویم که چگونه این اتفاق افتاده است مثل اینکه معلم تاثیرگذار، معلم توانمند و مشاور حرفه‌ای را دعوت کرده‌ایم و وظیفه من این است که این مشاور را به کلاس بیاورم و بچه‌ها را پای صحبت این مشاور بنشانیم، چون ممکن است بچه‌ها بترسند و نپذیرند به خاطر پیش فرض‌هایی که دارند ن و حرف این مشاور را گوش ندهند و هم اینکه ما موفق شویم آن استاد را وارد کلاس کنیم و بچه‌ها را با آن مواجه کنیم و حس خوبی ایجاد کنیم نسبت به آن فرد در بچه‌ها، بقیه کار را همان مشاور یا معلم انجام می‌دهد. سوره‌ها اینگونه اند ما با خواندن سوره‌ها و ایجاد یک بستر پرنشاط و شاد برای مواجهه بچه‌ها با سوره و بیان یک نکته قابل فهم برای بچه‌ها از سوره که ارتباط آنها را با سوره برقرار می‌کند فقط آنها را با سوره مواجه می‌کنیم، خود سوره به آنها آموزش می‌دهد. سوره مبارکه بینه دلیل دارا بودن کارها و اهمیت دلایل را، خودش به بچه‌ها یاد می‌دهد و کفایت ما موفق شویم سوره را به کلاس بیاوریم. اگر ما موفق شویم ارتباط خوبی بین بچه‌ها و سوره برقرار کنیم و کاری کنیم که بچه‌ها سوره بینه را دوست داشته باشند و حس خوبی به سوره بینه داشته باشند، دیگر خیلی نمی‌خواهد که زحمت زیادی بکشیم. فهم قرآن، همان قرآن است، معجزه است نمی‌خواهد زحمت زیادی بکشیم ما باید بچه‌ها را با سوره بینه دوست کنیم و خود سوره بینه اهمیت دلیل را به بچه‌ها یاد می‌دهد، قرآن است، معجزه است، این را امتحان کنید. باید کاری کنیم که بچه‌های پایه بالاتر مثلاً چهارم و پنجم بگویند آخ جون سوره بینه. اگر هم این کار را بکنیم و بقیه نواقص بچه‌ها را سوره برطرف می‌کند. یک ماه بچه‌ها با سوره باشند و بگویند دوستم سوره بینه است، من سوره بینه را دوست دارم. اگر بشود این ارتباط را ایجاد کرد در ایجاد همین ارتباط هم سوره کمک می‌کند. اگر این کار را بکنیم سوره آموزه‌های خود را به بچه‌ها منتقل می‌کند از جایی که ممکن است ما ندانیم.

✚ اگر بپرسند چرا چون خدا گفته باید انجام دهیم؟ چه باید گفت و جواب قانع کننده چیست؟

فهم قرآن

این موارد از آن مواردی است که اگر برای خود ما حل شده باشد برای بچه‌ها حل می‌شود. این بدیهی است که چون خدا گفته است باید انجام داد و چرای آن درست نیست. چون خدا خالق است و خدا می‌داند، خدا همه چیز را می‌داند، هر کاری می‌تواند بکند، به ما از همه مهربان تر است، نیازهای ما را ایجاد کرده و برطرف کننده نیازهای ما است. دلیلی ندارد که به حرفش گوش ندهیم. او هر چیز را می‌داند. مثل این است که وسیله‌ای را که می‌خریم، کاتالوگ و دفترچه راهنما دارد و در آن گفته است که این وسیله را در مقابل تابش مستقیم نور خورشید قرار ندهید و بگویید چرا من نباید وسیله را جلوی تابش نور خورشید قرار دهم؟ و یا مثلاً نحوه استفاده از باتری را گفته است یا برقش را اینگونه نکنید یا چیز تیز یا آهنربا در کنارش نباشد، نمی‌توانیم بگوییم چرا این را گفته است؟ کسی که این را ساخته است، مشخصات این را می‌دانسته، گفته. اگر حرف خدا را گوش ندهیم، پس حرف چه کسی را باید گوش داد؟ ما که چیزی راجع به این نمیدانیم، ما را خدا خلق کرده است، دنیا را خدا خلق کرده است، او همه چیز را می‌داند. او باید بگوید پس چه کسی بگوید؟ ویژگی‌هایت را می‌دانم و دنیایی که تو در آن زندگی می‌کنی این گونه است و مقصد این است و بر اساس ویژگی‌های تو و دنیای تو و مقصد تو این کار را باید بکنی. بدیهی است که به جز خدا حرف کس دیگری را نباید گوش داد. ولی نباید این‌ها را استدلالی برای بچه‌های دبستانی بیان کرد، برای بالاتر هم نباید گفت. ولی برای دبستان اصلاً. برای بچه‌های دبستان به صورت عاطفی به صورتی که با مثال و داستان قلباً آن را بپذیرند و باید القا کنیم که این بدیهی است. می‌تواند دو دلیل را آورد ولی نباید القا این باشد که چون من دلیل گفتم، این است. بچه‌ها باید بدانند که بدیهی است که باید حرف خدا را گوش دهند. می‌گوییم دوستت را اذیت نکن می‌گوید چرا؟ می‌گوییم از اول هم نباید این کار را می‌کردی معلوم است که نباید اذیت کنیم چرا ندارد. باید حرف خدا را گوش داد بدیهی است. می‌توان استدلال در حد سن آن‌ها آورد.

✚ علاوه بر ایجاد انگیزه برای فهم قرآن، چگونه از اجبار و دلزدگی جلوگیری کنیم با توجه به اینکه حجم

مطالب زیاد است؟

حجم چه مطلبی زیاد است؟ کتاب درسی؟ کتاب درسی که فهم قرآن نیست. متوجه

سوال نشدم. حجم و محتوای فهم قرآن که خیلی کم است. حجم اینگونه است که سوره مبارکه بینه است که هشت آیه دارد، این هشت آیه را می‌خوانیم، هم خوانی می‌کنند و می‌شنوند و هر کاری باید دلیل داشته باشد. این کل حجم و محتوای کل سوره بینه است و بقیه مطالب برای جذابیت و جلوگیری از دلزدگی است. می‌توانیم این مطلب را با بازی و فعالیت، شعر و... جا بندازیم. و برخی مواقع گفتگو لازم است. ولی معلم باید با خلاقیت خود بداند که با چه قالبی مطرح کند که برای بچه جذاب باشد.

این دلیل که چون خدا گفته تا یک سنی بچه‌ها را قانع می‌کند و در سنین نوجوانی خیلی از بچه‌ها دنبال فلسفه آن می‌گردند بهتر نیست در کنار عبودیت فلسفه احکام آن هم گفته شود، در پایه‌های بالاتر پذیرش آن وجود دارد و راحت تر قبول می‌کنند.

در دبستان لازم نیست. در دبیرستان و دوره سوم رشد، حجت و حکمت یعنی نگاه کاربردی یعنی هم مقصد و هم مبدا را بدانند، در دوزه‌های رشد تفکر اجتماعی در دوره سوم رشد حق با شماست و در دوره سوم بچه‌ها باید هر چیز را حجت و حکمتش را بدانند ولی برای دبستان لازم نیست ضمن اینکه اگر بچه‌ها از دبستان آموزش دیده باشند که عبودیتشان فعال باشد، حق گراتر بار می‌آیند و اتفاقاً آن حجت‌ها را بهتر درک می‌کنند هرچند این فلسفه احکام در دن توصیه نشده است که افراد دنبال فلسفه باشند آنچه که توصیه شده به طور اصولی بحث شود افراد به دنبالش باشند اصول دین است توحید و معاد و نبوت است اینها را افراد باید بررسی کنند و قلباً بپذیرند و دلایلش را بدانند ولی بزرگان می‌گویند احکام را باید عمل کنند تا فلسفه را بفهمند خودمان نباید اینگونه فکر کنیم و بچه‌ها را به این سمت نبریم حتی در سنین متوسطه هم نباید بچه‌ها بگویند من فقط احکامی را عمل می‌کنم که فلسفه اش را می‌فهمم و این اصلاً رویکرد درستی نیست حتی برای دانشجو و بزرگسال

به طور طبیعی انسان در حال رشد است و به چیزهایی را بهتر می فهمد و اصلا نباید

احکام به سمت این برود که بفهمد تا عمل کنم بلکه باید عمل کند تا بفهمد ولی به هر حال همه این بحث مربوط به دوره متوسطه و حکمت و حجت است گرچه در آن دوره هم اطاعت و شکر نعمت مطرح است و اگر علاقه مند باشید در کتاب دوره سوم رشد که اسم آن بلوغ عقلی، آراستگی به آداب و احسان، مطالعه بفرمایید تمام این بحث آنجا هست

در دبستان در سالهای پایین فقط عبودیت و در سالهای بالاتر نه به عنوان فلسفه احکام ولی توضیحات بیشتری می شود به آن ها داد و پذیرش باید بر پایه عبودیت باشد و اگر بچه ها و افراد عادت کنند که اول احکام را اول فلسفه اش را بدانند و بعد عمل کنند در رشد آن ها اختلال ایجاد می کند. بلکه دلیل هر کاری را باید بدانند. منتها دلیل آن این است که پیامبر فرمودن این دلیل قطعی است و قطعی تر از فلسفه است بچه ها باید این را بدانند مثلا این کار را چرا می کنی می گوید پدرم گفتند بسیار خوب این دلیل است

حتی اگر خودمان هم ذهنیتمان این است که فلسفه ای بالاتر از این وجود دارد باید اصلاح شود. وقتی خدا و امام معصوم و پدر مومن گفته است این دلیل است. در پایه چهارم این را به بچه ها یاد می دهیم که دلیل از این بالاتر و اولویت دارتر از این که خدا گفته است وجود ندارد نباید به بچه ها القا شود که فلسفه احکام از این که خدا گفته است مهم تر است و این خیلی مهم است

نکته:

در مورد احکام اگر بچه ها را به سمت دلایل متعدد بردیم کم کم بزرگتر که شدند به جای اینکه بگویند چون خدا گفته به دنبال علت هایی که توسط انسانها کشف شده می گردند و هر جا کشف نشده باشد حکم خدا را نمی پذیرند. دلایلی که گفته می شود برای احکام خدا در واقع حکمت های خداست که از گذشته بوده و انسان دلایل آن را کشف نکرده بوده است و در مورد نماز و بحث های آن نباید گفت نماز خاصیتش این است. نماز به خاطر

منافعش آن نمازی نمی شود که خدا خواسته است. مادرانی که حکم پدر را می شکنند،

بچه ها در پذیرش دلیل ها ضعیف می شوند و برعکس. والدینی اگر حکم خدا را بشکنند بچه ها حکم پذیر نمی شوند

با وجود داینکه فرمودید بعضی بچه ها پرسشگر هستند و قانع نمی شوند و القا تاثیر دارد چه کار باید کنیم؟

معلم ها تجربه دارند و ماهم این پرسشگری را دیده ایم . ولی این ظاهر پرسشگری گول زننده است و ممکن است معلم ها در دام بیافتند البته در انی که پرسشگرند حرفی نیست ولی ما نباید بر پایه این برنامه بریزیم البته بچه ها لزوما با استدلال قانع نمی شوند نه بچه ها بلکه بزرگتر ها هم همینطور . اصلا عبودیتی که بر اساس استدلال باشد ، اصلا عبودیت نیست و از آن مجاهدت در نمی آید پذیرش خدا و عبودیت قلبی است و البته می تواند استدلال هم می تواند چاشنی آن باشد و لی اصل مطلب شکل دیگری دارد

نکته اصلی که خشیت و پذیرش آنها را فعال می کند الزاما پاسخ مستقیم به سوالاتشان نیست و باید به گونه دیگری پاسخ داده شود

مثلا از فردی می آید به امام معصوم انتقاد می کند و فریاد می زند و معلوم است که این انتقاد واقعی نیست و فرد عصبانی است و امام ایشان را آرام می کند بیا استراحت کن و غذا بخود و تمام سوالات و انتقادات طرف برطرف می شود این فرد ذهنیت راجع به امام داشته است و سوالاتش برطرف می شود

شکل پرسشگری نباید باعث شود که با بچه ها وارد بحث و استدلال شویم البته به عنوان چاشنی می تواند باشد ولی باید بدانیم کجا اختلال است و آن را برطرف کنیم

هر دل دردی با یک دارو خوب نمی شود بعضی دل درد ها می تواند مشکلش مربوط به یک چیز دیگر باشد همه دل درد ها مشکل گوارش نیست

✚ دختر من ۹ ساله است می پرسد چرا من باید در نماز حجاب داشته باشم و آقایون اینگونه نیستند اگر

بگویم خدا گفته است با توجه به اینکه در این وضعیت گرمش می شود نسبت به خدا بد بین نمی شود؟

چادر نماز خنک و لباس خنک برایش تهیه کنند. الزاما که چادر مساوی با گرما نیست. مثلا دختر خانم یه بلوز آستین کوتاه و شلوار خنک بپوشد و با چادر خنک گرمش نمی شود. یه چادر گلدار خوشگل می تواند این قضیه را حل کند اتفاقا می توان گفت دل آقایون بسوزه که در نماز نمی توانند چادر خوشگل سر کنند خیلی مواقع باید غیر مستقیم جواب داد. القا بسیار مهم است خودمون باید سوالات ذهنی خود را برطرف کنیم و به خدا حسن ظن داشته باشیم و در این صورت می توانم به بچه منتقل کنم خیلی از مواقع راه حل ها از سمت دیگر است و مستقیم نیست.

✚ کارهای بدیهی در تمام پایه ها نیاز به دلیلی ندارد؟

متوجه سوال نمی شود. همه کارها نیاز به دلیل دارند. کارهای بدیهی، دلایل بدیهی دارند. ولی همه کارهای دلیل دارند. مثلا اینکه من به فرزند ۷ ۸ ساله اینکه چرا مسواک بزنیم را می گویم چون پیامبر گفتند و دندان هایمان هم خراب نمی شود. اولاً اینکه پیامبر گفتند خوب پیامبر چون مهربان بودن و دیده اند که اگر مسواک نزنند دندانهایشان خراب می شود وایشون گفتند که مسواک بزنیم تا دندانهایمان خراب نشود. نمی دانم منظورشان از بدیهی چیست. می توان گفت خدا گفته است و دلایل فطری دارد می توان گفت خدا گفته است.

✚ با توجه به تفاوت واژه های دلیل و حکمت و علت این که بگوییم دلیلش این

است که خدا گفته است کاملا درست است و لازم نیست حکمت و علت الهی را بدانند چون میشه گفت

علت و حکمتش را خدا می داند و ممکن است ما هم بعدا بفهمیم.

بله درست است . برای بچه های دبستانی لازم نیست که تمایز را توضیح دهیم و برای خودمان روشن کننده است.

خاطره و پیشنهاد خانم سیفی:

برای شیرین سازی کلاس سوره بینه، کیکی پخته شود و برای سوال تولد گرفته شود.

وقتی با حالت القایی می گویم خدا گفته است، خودم هم نشان می دهم که من هم تسلیم هستم و آن تذکر استاد

در مورد چادر نماز بسیار دقیق است . مثلا اگر در جواب بگویم که نمی دونم خدا گفته و یا جوابهای دیگر سرد

کننده به جای این حرفها بگویم خدا هیچ وقت نمی خواسته تو اذیت بشی پس باید وسایلی که مناسب است را

پیدا کنیم

ما برای سوره بینه که مدت سه سال است تدریس می کنم وسایل کیک پزی خیلی ساده مثل پودر کیک و .. و با

کمک خود بچه ها ، از روی جعبه می دهیم بچه ها بخوانند و بعد من می گویم کل روغن را می ریزم و بچه ها

می گویند نه خانم نوشته نصف لیوان و من می گویم مگر چه می شود کیکمان زیاد می شود و آرد بیشتر و تخم

مرغ بیشتر و همه مخالفت می کنند و بعد میگم چرا و آنها می گویند خانم دستوالعمل داره و اگه زیاد بریزیم خراب

می شود و یه کاری می کنم که جعبه و وسایل را از دست من دور می کنند و میگن باید مطابق دستور باشد من هم

می گویم کی گفته ببینم کجا نوشته ما میدونیم قبلا درست کردیم و بعد پای تخته می نویسم "هر چیز که حکم

خداست حسابش از همه احکام جداست" و حکم های خدا هم ثابت است و خیلی از دلایلی کشف نشده

فهم قرآن

است و ما نمیدانیم و ممکن است سجده ۱۰۰۰ تا منفعت داشته باشد و ما ۵ تا را بدانیم و می گویم خدا حکیم است و خیر ما را می خواهد و حکم بیهوده نمی دهد.

خودشان کیک می پزند و نمی گذارند من به هم بریزم و بعد که درست شد می گویند دیدید خانم چقدر خوب شد اگه اضافه ریخته بودید خوب نمی شد. و شمع علامت سوال هم روی کیک می گذاریم و یاد می گیرند و باید انسان ذهن پرسشگر داشته باشد ولی در مورد حکم خدا دلیل محکمی است و دیگر کسی نباید چیزی بگوید و باید القا شود.

وقتی من با قابلمه وارد مدرسه می شود همه بچه های پایه های بالاتر می گویند خانم می خواهید سوره بینه درس بدهید همیشه برای ما هم کیک بپزید.

انشالله خدا به ما توفیق دهد سوره ها در همه ما جاری شود و بتوانیم به دیگران هم منتقل کنیم .

اللهم صل علی محمد و ال محمد و عجل فرجهم